

عنوان مقاله:

کارکردهای شعری و عاطفی در زبان غنایی عبهرالعاشقین

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب غنایی، دوره 18، شماره 35 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

مریم میرزایی مقدم - دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

قاسم صحرایی - دانشیار رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)

علی حیدری - استاد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان.

خلاصه مقاله:

عبهرالعاشقین از متشخص‌ترین نثرهای فارسی عرفانی است که روزبهان بقلی شیرازی در قرن ششم هجری در بیان مطالب عرفانی به نگارش درآورده است. این متن از منظر زبانی، به دلیل بسامد بالای کارکردهای عاطفی و شعری، دارای تشخص ویژه‌ای است که در حوزه زبان غنایی نیز قابل بررسی است. تک‌گویی‌های درونی، زاویه دید درون‌گرایانه باعث شده است که جهت‌گیری پیام به سمت گوینده باشد. صدای گوینده در بیان احساسات شخصی، سبب برجستگی زبان غنایی و کارکرد عاطفی در این متن است. بسامد بالای استفاده از حروف ندا، جملات تعجبی و پرسشی در متن، کارکردهای عاطفی را تقویت کرده است. همچنین پیوند آهنگین زبان با بسامد بالای پارادوکس و حس‌آمیزی، جهت‌گیری پیام را به سمت خود پیام‌کشانده و سبب برجستگی زبان و پررنگ‌تر شدن کارکرد شعری متن شده است. هدف این مقاله، بررسی تلفیق فراهنجاری‌های معنایی با ابزارهای موسیقایی متن (درهم‌تنیدگی فرآیند هنجارگریزی و توازن) به عنوان ابزاری برای بیان هیجانات عاطفی و احساسی در تجربیات عرفانی و شهودی نویسنده عبهرالعاشقین است. سوال اصلی تحقیق آن است که نویسنده عبهرالعاشقین، با استفاده از کدام شگردهای زبانی و بیانی، هنجارهای زبان معیار را شکسته و در نتیجه، متن را به ساختار شعر، نزدیک کرده است این تحقیق به شیوه تحلیلی-توصیفی و اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است

کلمات کلیدی:

عبهرالعاشقین، زبان غنایی، کارکرد شعری، کارکرد عاطفی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1044514>

